

افغانستان به یک نیروی سیاسی دموکراتیک، لائیک و انتراتیگ نیاز دارد

منتشره در شماره ۳۰ اگست ۲۰۰۸ روزنامه «هومانیته»، ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه

ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه (Humanité) صفحاتی از شماره ۳۰ اگست خود را تحت عنوان «افغانستان»: چگونه باید از بنبست بدر شد؟» به مسایل افغانستان اختصاص داده است.

قرار است در ۲۲ ماه سپتامبر سال روان موضوع تداوم حضور قطعات نظامی فرانسه در افغانستان، در شورای ملی فرانسه مورد بررسی و رأی گیری قرار گیرد. در صفحات اختصاصی شماره نامبرده مضامینی از:

- پل کیلیس (Paul Quilès) وزیر اسبق دفاع فرانسه و مسؤول کمیسیون دفاع حزب سوسیالیست فرانسه،
- هروه مرتیون (Hervé Mariton) وزیر اسبق و منشی امور دفاعی حزب بر سر اقتدار U.M.P.
- ژان ژاک کاندیلی (Jean-Jacques Candelier) نماینده حزب کمونیست و عضو کمیسیون دفاع در شورای ملی فرانسه

➤ عبدالله نایبی، رییس نهضت آینده افغانستان

به نشر رسیده است.

همه گان روی این واقعیت توافق دارند که اوضاع افغانستان روز به روز بد تر شده می‌رود. مداخله بیش از هفتاد هزار نظامی ناتو هیچ یک از مسایلی را که پیش کشیده بودند - تروریسم، بیثباتی سیاسی، تولید و قاچاق مواد مخدر - حل نکرد.

حضور نظامی خارجی را عامل وخامتِ اوضاعِ انگاشتن و یا تصور اینکه یک راه حل نظامی وجود دارد، در واقع مطرح کردن مسایلی است که با واقعیت افغانی رابطه ندارند. تحلیل عینی گرایانه واقعیت افغانی دلایل ناکامی استراتژی موجود را به دست میدهد. میشود سه نکته این واقعیت پیچیده را برجسته ساخت:

یک: نبود یک دولت متمرکز. گروه هایی که امروز در افغانستان حکومت میکنند، همه به نیروهای جهادی تعلق دارند. هر یک از این گروه ها بخشی از قدرت را در سرزمین افغانها به دست دارند و عمدتاً از منافع گروهی، قومی، زبانی، مذهبی و منطقه یی خود دفاع میکنند. روند پاگیری یک دولت نیرومند متمرکز و دموکراتیک که آنها را از چپاول کشور و سوء استفاده از کمکهای بین المللی باز خواهد داشت با منافع آنها در تضاد عینی قرار دارد.

دو: اردو و پولیس افغانستان که توسط مسعود فروپاشانده شدند، بر اساس گروه های شبه نظامی جهادی «بازسازی» شده اند. وجود این گروه ها نی تنها به اردو و پولیس «خصلت ملی» ارزانی نمیدارد، بل، تناقضات سیاسی، قومی و زبانی بین آنها را شدت و گسترش میبخشد. اردو و پولیس کنونی که توسط ناتو تجهیز و تمویل میگردد و همین اکنون به ساحة نفوذ عمال طالبان، استخبارات پاکستان و ایران مبدل گردیده اند، در واقع کانونهای بالقوه یک جنگ جدید داخلی در کشور اند.

سه: مداخلات پاکستان عنصر تعیین کننده است. تضعیف افغانستان جزئی از استراتژی سیاسی دولت پاکستان است. تمام احزاب سیاسی حاکم پاکستان همین استراتژی را تعقیب کرده اند. طالبان «شاخه منطقه یی» اردوی پاکستان اند. بدون تغییر سیاست پاکستان هیچگونه ثباتی در افغانستان و منطقه ممکن نیست! بیش از چهل هزار مدرسه مذهبی که باشگاههای رایگان اعاشه، اباته و «تعلیم» بیش از دو ملیون شاگرد اقشار فقیر جامعه اند، ریزرف های پایان ناپذیری برای سازماندهی و باز سازی «ارتشهای طالبی»، گروههای تروریست و داوطلبان انتحار اند.

پس مسأله افغانی یک مسأله عمدتاً سیاسیست، نی یک مسأله نظامی!

کشور نیازمند نیروی سیاسی دیگریست که بایک قاعده گسترده چند ملیتی، دموکراتیک و لائیک بتواند نقش «عامل سیاسی متحد ساز و ثبات آور» را در جهت ایجاد یک دولت متمرکز، نیرومند و دموکراتیک بازی کند. عناصر تشکل چنین نیرویی هم اکنون وجود دارند. امروزه بیش از سی سازمان مترقی و دموکراتیک افغانی وجود دارند. شرایط نا هنجار مهاجرت در خارج و سیاست سرکوبگرانه و انتقام جویانه حکام کنونی کابل، روند وحدت آنها را کند ساخته اند ولی با این هم، این نیروها در راه تشکل یک حزب بزرگ دموکراتیک که بتواند در اتحاد با دیگر نیروهای غیر جهادی، محرک یک جنبش عظیم دموکراتیک، لائیک و چند ملیتی گردد، تلاش میکنند. این جنبش توان آنرا خواهد داشت که به طور دموکراتیک خود را به حیث نیروی سیاسی متمرکز ساز اعمال قدرت تثبیت کند. جنبش نامبرده از یک مرحله سیاسی - نظامی جهت پیریزی قوای مسلح کشور به حیث نهاد های استوار دولت بعدی افغانستان، عبور خواهد کرد. جدا شدن عنصر نظامی از سیاسی همروند با تحکیم دموکراسی و عادی شدن فعالیت نهاد های دولتی بعدی، صورت خواهد پذیرفت.

ایجاد چنین جنبشی عمدتاً منوط به اراده جامعه بین المللی است. ده ها هزار میهن دوست افغان که در شرایط جهنمی فقر در داخل کشور زنده گی دارند یا به حیث پناهنده گان سیاسی در سراسر جهان پراکنده شده اند، آماده اند تا برای خدمت به خلق افغانستان در راستای چنین پروژه بزرگی برای نو سازی دولت افغانستان، قرار گیرند.

01092008

www.ayenda.org